

ربا خواری دشمن بزرگ ارزشهای اخلاقی

کاربرد مکتبهای اقتصادی شرق و غرب چون صرفاً بر پایه ارزشهای مادی قرار دارد کم است، ولی اصول اقتصادی اسلام که بعد مادی و معنوی را توأماً بکار گرفته کاملاً کارساز و راه گشاست

سؤال کردم امام (ع) در جمله‌های کوتاهی

چنین فرمود:

انه لو كان الربا حلالا لترك الناس
التجارات وما يحتاجون اليه فحرم
الله الربا لئنفرو الناس من الحرام الي
الحلال ، والى التجارات من البيع و
الشراء ، يبقى ذلك بينهم في القرض

«اگر ربا خواری حلال باشد مردم تجارت
و فعالیت‌های تولیدی را که مورد نیاز جامعه
آنها است ترك می‌گویند، و به ربا خواری
روی می‌آورند، لذا خداوند ربا را حرام

آنچه تاکنون در زمینه ربا خواری بحث
کرده‌ایم بیشتر روی مسائل اقتصادی دور
زده است، در حالی که نظام ربا خواری اثر
بسیار ناه مطلوبی در زمینه اخلاق اجتماعی
دارد.

اجازه دهید قبلاً با ذکر دو حدیث از
شمسین پیشوای اسلام امام صادق (ع)
بحث را شروع کنم:

۱- هشام بن حکم آن فیلسوف و متکلم
و دانشمند برجسته اسلامی می‌گوید ار
امام صادق (ع) درباره فلسفه تحریم ربا

کرده تا مردم از حرام به حلال روی آورند، و به سراغ کسب و کار و خرید و فروش و تولید بروند، و مسأله قرض بصورت قرض الحسنه (و خالی از هرگونه سود و صرفاً متکی به اصول اخلاقی) در میان آنها بانی بماند (۱).

۲- «سماعه» که یکی دیگر از یاران دانشمند امام صادق (ع) است می گوید: از امام پرسیدم که من در قرآن در آیات متعددی به مسأله ربا برخورد کرده ام، و می بینم خداوند کرا را آنرا بیان کرده است.

امام فرمود می دانی دلیل آن چیست؟ عرض کردم، نه، فرمود:

لثلا یمتنع الناس من اصطناع - المعروف « برای اینکه مردم از کار نیک خودداری نکنند » (۲)

باتوجه به روایات بالا و مانند آن، و با توجه به اصول جهان بینی اسلام این نتیجه اساسی را می توان گرفت که:

در اقتصاد اسلامی «مسائل مادی» با «ارزشهای معنوی و اخلاقی» چنان گره خورده است که همانند «تار» و «پود» یک پارچه دست در کردن هم دارند، برخلاف اقتصاد در مکتبهای غرب و شرق که صرفاً از دیدگاه مادی بررسی می شود، و اتفاقاً

(۱) جلد ۱۲، مسائل الشیعه صفحه ۲۷۷

(۲) همان مدرک

یکی از علل مهم بی نتیجه ماندن و گرفتارین دست شدن این مکتبهای اقتصادی نیز همین است!

اقتصاد از شئون زندگی انسانهاست و ابعادش باید همچنان ابعاد وجود انسان باشد ما چگونه می توانیم انسانی را که وجودش هم بعد مادی دارد و هم بعد معنوی در یک مکتب اقتصادی محصور کنیم که تنها ارزشهای مادی در آن مطرح است، و یقیناً این قبا برای آن قامت نارما است، و دیر یا زود، اثرات منفی خود را آشکار می سازد.

به تعبیر دیگر مجال است مشکلات اقتصادی جامعه را بر اساس یک مکتب اقتصادی صد درصد مادی حل کرد، و حتماً باید دست به دامان ارزشهای معنوی زد و از آن کمک گرفت، زیرا:

روزهائی برای جوامع پیش می آید که در آنها کاربرد ارزشهای مادی به صفر می رسد، و تنها ارزشهای معنوی می تواند حاکم باشد، روشنتر بگوئیم: در زندگی هر قوم و جمعی روزهائی است که تنها ایتنا

و فداکاری و گذشت می تواند حل مشکل کند، بهیچ است کمتهای متقابل در چنین حالتی بی اثر است، بی اثر!

و نیز در روابط اجتماعی مردم روزهائی پیش می آید که برای حفظ شهرهای مختلف یا افراد مختلف، سخاوتمندانه به آنها کمک کرد، و بدون هرگونه چشم داشت زیر بازویشانرا گرفت، خواه از طریق قرض -

الحسنه یا کمتهای بلاعوض و مانند آن، فی النشل الان که این سطور را می -

نویسیم، جنگ ویرانگر تحمیل شده ایر - قدرتها میلیونها نفر از مردم کشور ما را از همی ساقط کرده و از خانه و کاشانه خود آواره ساخته است و از سوی دیگر خزانه دولت هم بر اثر حالت جنگ و محاصره اقتصادی و مانند آن، تدرت زیادی ندارد، چگونه می توان به مقابله با این مشکل بزرگ اقتصادی و اجتماعی شتافت آیا جز استفاده از نیروی ایمان و اخلاق، کلیدی برای حل این مشکل پیدا می شود؟!

ارزشهای مادی که بر اساس نفع متقابل است ناتوانتر از آنست که در چنین مواقعی راهگشا باشد، تنها حکومت ایمان و اخلاق است که به آن پیر ز روستائی می گوید: «تو گوی که منمندانم» و برای جبهه جنگ برستند، و به آن کودک دبستانی فرمان می دهند که «تک کوچکش» را بشکند و پولهای خردی را که ماها جمع کرده است

مهرتوی زکام شیر بجوی

می گویند: از «عبدالله بختانی» پرسیدند: تو مردی خرابنده بودی، چگونه به امارت رسیدی؟ گفت: بدانکه در «یادغیسی» روزی دیوان «حنظله» یادغیسی راهمی خواندم تا بدین شهر رسیدم که می گوید: مهرتوی سر به کام شیر دراست شو خطر کن زکام شیر بجوی ۱۱ یا بزرمی و عز و نعمت و جاه یا جو مردانت مرگ رویاروی ۹۱ داعیه درمن بچینیید و خران بفروختم و به امارت برخاستم و رسیدم بدین پایه که می نگری ... ۱

(کتاب اسرار سیاسی کودتا و زندگانی سیدضیاء الدین طباطبائی ص ۴)

